

هشدار پلیس درباره پیامک‌های جعلی جرمه رانندگی

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ نسبت به کلاهبرداری از مردم در پوشش پیامک جعلی جرمه راهور هشدار داد. سرهنگ داوود معظمی گودرزی با بیان این‌که مجرمان سایبری از هر فرصتی برای سوءاستفاده و اخاذی استفاده می‌کنند، گفت: اخیراً پیامکی جعلی با عنوان جرمه پلیس راهور برای برخی رانندگان ارسال شده است که در آن از شهروندان خواسته شده تا برای پیگیری موضوع وارد لینک درج شده در انتهای پیامک شوند. وی با بیان این‌که این لینک کاربران را به صفحات جعلی هدایت می‌کند، گفت: این صفحات هیچ ارتباطی با پلیس نداشته و معمولاً با گوشی کاربران را به بدافزار آلوده می‌کند یا آنان را به سمت صفحات جعلی فیشینگ

هدایت کرده و از این طریق حساب بانکی‌شان خالی می‌شود. همچنین در مواردی نیز مجرمان سایبری از کاربر درخواست می‌کنند برنامه ناشناس را نصب کنند و بعد از این طریق اطلاعات آنها را به سرقت می‌برند. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ گفت: در همین راستا لازم است شهروندان توجه داشته باشند به پیامک‌هایی که از شماره‌های ناشناس ارسال می‌شود و کاربر را به یک سایت مشکوک و جعلی هدایت می‌کند، توجه نکنند. همچنین به سرشماره پیامک‌ها نیز دقت داشته و بدانند که پلیس و هیچ دستگاه دولتی و رسمی دیگری با سرشماره شخصی پیامکی برای مردم ارسال نمی‌کند. شهروندان باید توجه داشته باشند پیامک‌های پلیس راهور فقط با سرشماره RAHVARNAJA معتبر است و به هیچ عنوان به پیام‌های دارای لینک و ارسال شده از سوی سرشماره‌های دیگر توجه نکنند.

رودرو

تشر

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم

چهارشنبه ۳ مرداد ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۶۸

عکس: تینلی است

گفت‌وگو با زورگیر قاتل
یک دود گرفتنی
زندگی‌ام را سیاه کرد

۱ دوباره سمت سرقت رفتی؟

بله اما با این تفاوت که یک چاقو گذاشتم تو جیبم که اگر مثل دفعه قبل گیر افتادم با تهدید بتوانم فرار کنم. مصرف مواد هم به سمت شیشه رفته بود و شب‌ها اگر کسی را تنها در خیابان گیر می‌آوردم با تهدید چاقو از او زورگیری می‌کردم. اگر پول نقد داشتند، سراغ گوشی‌اش نمی‌رفتم اما اگر پول نداشت گوشی‌اش را می‌گرفتم.

۲ گوشی‌ها را چند می‌فروختی؟

اندازه دو وعده مصرف مواد و غذا.

۳ خب بریم سراغ قتل، چی شد قاتل شدی؟

یک شب در خماری در حال پرسه‌زدن بودم که با مردی روبه‌رو شدم که داشت با تلفن صحبت می‌کرد. نزدیکش شدم و منتظر ماندم تا تلفنش را قطع کند. بعد چاقو را سمتش گرفتم و گفتم کیف و گوشی‌ات را بده. مقاومت کرد و با هم درگیر شدیم. به خودم که آمدم آن مرد غرق در خون روی زمین افتاده بود. من هم از ترس فرار کردم.

۴ چطور دستگیر شدی؟

آنجا دوربینی بود که همه‌چیز را ثبت کرده بود. سابقه‌دار بودم و ماموران خیلی زود هویت‌م را شناسایی کردند. یک شب در پاتوق در حال شیشه کشیدن بودم که ماموران بالای سرم آمدند و دستگیر کردند. بعد از دستگیری متوجه شدم اگر آن جوان زود به بیمارستان می‌رسید زنده می‌ماند و خونریزی شدید باعث مرگش شده بود. از زندان می‌ترسیدم و نمی‌خواستم دوباره به آنجا برگردم، به همین خاطر فرار کردم.

۵ در این مدت با خانواده مقتول روبه‌رو شدی؟

هنوز نه اما شنیدم تک پسر بوده و خانواده‌اش برای من قصاص خواسته‌اند. حق هم دارند.

۶ برای بخشش تلاش نکردی؟

خانواده‌ام که طردم کرده‌اند. خودم هم کاری از دستم برنمی‌آید. بعد هم آنها داغدار هستند و حق دارند من را قصاص کنند. من هم راضی به این هستم و فقط از آنها درخواست حلالیت می‌کنم.

کار به جایی رسید که مصرفم از اوستام بیشتر شد. وقتی به خودم آمدم کامل گرفتار مواد شده بودم و همان اوستایی که اولین بار مواد دستم داد، به خاطر اعتیادم بیرونم کرد.

۷ واکنش خانواده‌ات چی بود؟

آنها هم کم‌کم طردم کردند. پدرم یک عمر با آبرو زندگی کرده بود و حالا من آبرویش را برده بودم. طوری شده بود که ماهی یک‌بار به خانه می‌آمدم و مادرم کمی پول می‌داد و می‌رفتم.

۸ پس پول مواد را از کجا به دست می‌آوردی؟

اوایل ضایعات جمع می‌کردم. اگر ماشینی را کنار اتوبان خراب می‌دیدم، درست می‌کردم و دستمزد می‌گرفتم. بعضی راننده‌ها فکر می‌کردند دروغ می‌گویم که مکانیک هستم و می‌خواهم قطعات خودرو را سرقت کنم. یک لحظه هم تنهایی نمی‌گذاشتند. درآمد پایین بود و خرج تریاک بالا. به همین دلیل در پاتوق معتادان به سمت هروئین و بعد شیشه کشیده شدم.

۹ اولین سرقت یادت هست؟

می‌کرد می‌رفت سمت مکانیکی. کار آینده‌داری بود. من هم همین کار را کردم و در یک مکانیکی مشغول و خیلی زود برای خودم استادکار شدم. صاحب مکانیکی تریاک می‌کشید. یک شب تعارف کرد من هم دودی بگیرم. در این چند سالی که تو مغازه‌اش کار می‌کردم از این پیشنهادها نداده بود. حس کردم بگم نه، یعنی هنوز بچه‌ام. برای این‌که بزرگ شدنم را ثابت کنم پای بساط نشستم و چند تا دود گرفتم. حال خوبی به من دست داد. انگار تو خلأ بودم و از همه مشکلات رها شدم.

۱۰ از فردا شروع کردی به کشیدن مواد؟

نه. اوستام هم تعارف نکرد. چند روز بعد با پدرم سر موضوعی دعوا کردم و خیلی عصبانی بودم. تا شب منتظر بودم مغازه را ببندیم و اوستام بشینه پای بساط. وقتی همه‌چیز آماده بود کنارش نشستم و گفتم تعارف نمی‌کنی. یادام است بنده خدا گفت: نکش، گرفتارش می‌شی. اما من از صبح منتظر بودم و از همان شب گرفتارش شدم.

۱۱ بعد چه شد؟

مجید غمخوار
تیش
زندانی شده است. با این‌که در زندان ترک کرده اما آثار اعتیاد طولانی‌مدت در چهره‌اش موج می‌زند. مدت‌ها بود برای تهیه مواد مخدر زورگیری می‌کرد اما آخرین طعمه‌اش مقاومت کرد و او مجبور به قتل شد. بعد از قتل از محل گریخت اما دوربین‌های مداربسته ردش را زده بودند و به علت سابقه‌دار بودنش خیلی زود شناسایی و دستگیر شد. حالا در یک قدمی مرگ قرار دارد و قرار است اولبای دم مقتول درباره آینده‌اش تصمیم بگیرند.

۱۲ چند سال داری؟

۴۵ سال.

۱۳ اما بیشتر نشان می‌دهد؟

شکسته شدم. اعتیاد من را به این روز انداخت.

۱۴ چی می‌کشیدی؟

از تریاک شروع کردم، بعد هروئین و این اواخر شیشه.

۱۵ چه شد به سمت مواد رفتی؟

فکر کنم ۱۸ ساله بودم که اولین بار در مغازه‌ای که کار می‌کردم مواد کشیدن را تجربه کردم. به درس علاقه نداشتم و خیلی زود ترک تحصیل کرده و سمت کار رفتم. آن زمان هرکسی ترک تحصیل